



مطالعات واژه‌گزینی

ویژه‌نامه نامه فرهنگستان، زمستان ۱۳۹۹، شماره چهارم، صفحه ۲۱۷-۲۲۱

سندی راجع به تاریخ واژه‌گزینی در ایران

غلامعلی حدّاد عادل

یکی از طرح‌های پژوهشی، که به پیشنهاد گروه واژه‌گزینی در شورای مدیران فرهنگستان زبان و ادب فارسی به تصویب رسیده و در دست اجراست، طرح تدوین تاریخ واژه‌گزینی در ایران است. واژه‌گزینی به صورتی که هم‌اکنون در فرهنگستان جریان دارد فعلیتی است که هم‌زمان با آشنایی ایرانیان با فرهنگ و تمدن غربی، به‌ویژه علم و فناوری جدید غربی، آغاز شده است. تدوین تاریخ واژه‌گزینی مستلزم در اختیار داشتن اسناد و مدارک تاریخی است و محقق تاریخ واژه‌گزینی ناگزیر از مراجعه به این اسناد و مدارک است.

در این شماره سندی از دوران قاجار، که حاوی اصطلاحات علم شیمی است، به خوانندگان مجله معرفی می‌شود. این سند در کتاب جدید انتشار مرقع ناصری^۱ که مجموعه‌ای از «طراحی‌ها، سیاه‌مشق‌ها و یادداشت‌های ناصرالدین‌شاه قاجار» است، در ادامه سلسله کتاب‌های روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه، به همّت مجید عبد امین و مهدی فراهانی، به شیوه‌ای عالمانه، تنظیم و تصحیح و منتشر شده است. در صفحه ۲۲۱ این کتاب، تصویر سندی تحت عنوان «استعمال نمک طلا» به چاپ رسیده است که دستورالعملی برای بهبود فن عکاسی است. می‌دانیم که ناصرالدین‌شاه به اندازه‌ای به عکاسی علاقه داشته که،

۱. مرقع ناصری (طراحی‌ها، سیاه‌مشق‌ها، و یادداشت‌های ناصرالدین‌شاه قاجار)، به کوشش مجید عبد امین با همکاری مهدی فراهانی، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، با همکاری سخن، ۱۳۹۸.

تنها پنج سال پس از اختراع دوربین عکاسی، این فناوری را به ایران آورده و عکس و عکاس‌خانه و عکاس‌باشی را یکی از جمله اجزای دربار سلطنتی ساخته است.^۱ با عنایت به اینکه دو مرحله ثبوت و ظهور تصویر بر روی فیلم یا شیشه عکاسی حاصل واکنش‌های شیمیایی است، در این سند روش‌های جدیدی برای وضوح و جلوه بهتر عکس و کمک به دوام آن ذکر شده است. سند تاریخ ندارد، اما در مقایسه با بعضی اسناد قبل و بعد از آن که تاریخ دارد، می‌توان آن را متعلق به سال‌های اول بعد از ۱۲۸۰ هجری قمری دانست. متن سند مشحون از اصطلاحات شیمی است و نثری واضح و خالی از تعقیدات مرسوم قاجاری دارد و متنی دقیقاً علمی و خالی از حشو و زوائد است. از مقایسه اصطلاحات شیمی به‌کاررفته در این متن با زبان فارسی علمی رایج در شیمی امروز ایران می‌توان به تحوّل این زبان در بازه زمانی یک‌صد و شصت‌ساله پی برد.

در ذیل تصویر اصل سند و متن آن به نظر خوانندگان مجله می‌رسد، همچنین، نکاتی که آقای دکتر علی پورجوادی، رئیس کارگروه واژه‌گزینی شیمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، درباره این متن نوشته‌اند.

استعمال نمک طلا

استعمال اول در صفحه فلزی: نمک طلا ماده عامل محلول فزو صاحب (؟) است که سابق جهت ثبوت اشکال دگروتیپی به کار می‌بردند. تفاوت این محلول با محلول نمک طلا آن است که نمک طلا یکی از ترکیبات گوگردی را که تترائینات دوسود نامند ندارد و این جسم بسیار مضر است، زیرا که صفحه را گوگردی می‌کند و مانع از دوام شکل است و اغلب صفحه را خال‌خال یا تیره‌رنگ می‌کند، اگرچه اصل عمل عکاسی خوب جاری شده باشد. جهت ساختن محلول مستعمل در ثبوت، یک گرم نمک طلا را در هفتصد گرم آب مقطر حل کنند و قبل از استعمال صاف کنند. بعضی از عکاسان ششصد و برخی هفتصد گرم آب استعمال نمایند. بهتر آن است که غلظت محلول طلا متناسب باشد با قوت عکس. هر قدر عکس رنگین‌تر باشد، محلول طلا باید غلیظ‌تر باشد، و اگر محلول به‌خوبی غلیظ باشد شکل بسیار خوش‌رنگ می‌شود و جهت ثبوت مدتی نباید گرم کرد.

۱. برای آگاهی بیشتر، ← ناصرالدین‌شاه عکاس، محمدرضا طهماسب‌پور، تهران، تاریخ ایران، ۱۳۸۱.

استعمال دوم در عکس کاغذ و شیشه و غیره: چند سالی است که عکاسی روی کاغذ ترقیات کلی کرده است، زیرا که پزیتیف‌های آنها منافع کلیه و محاسن متعدده دارند، ولی دوام چندانی ندارند و فساد سریع یا بطیء آنها مایهٔ تنزل عکاسان است. دو نفر از شیمیست‌های قابل، ژیوار و داوان، در این باب زیاد کار کردند که واضح شد هم طبیعت شکل و هم سبب اصلی فساد آن و هم مایهٔ دوام آن. ثانیاً باید دانست که صورت حاصل می‌شود از پردهٔ بسیار نازکی از نقره که با کمال سهولت قبول ترکیبات با بخارات گوگرد هوا را می‌کند. این دو شیمیست دانستند که پردهٔ گوگردی نقره مایهٔ سرعت فساد عکس می‌شود. لهذا، باید کمال دقت را به‌جای آورد که بخارات گوگردی حاصل نشود تا ورقهٔ عکس پس از مدتی باقی مانده و محو نشود. جهت این عمل باید ورقه را قبل از عمل ایپوسولفیت خوب بشویند و محلول ایپوسولفیت باید به‌کلی خنثی باشد یا آنکه اندک قلیائیت داشته باشد. باید دقت کرد که ایپوسولفیت با محلولات نقره و طلا و سایر ترشی‌ها مخلوط نشود، زیرا که ایپوسولفیت تجزیه می‌شود و گوگرد دُرد شود و چون گوگرد جدیدالتولید کمال میل ترکیبی را با نقره دارد و با او مرکب شده مایه فساد ورقه گردد آن صورتی که به‌واسطهٔ ایپوسولفیت ثابت شد عبارت است از یک پردهٔ بسیار نازک نقره که سهل‌الفساد است. جهت اینکه مستحکم شود باید آن را چند دقیقه در این محلول بگذارند، نمک طلا (یک گرم) آب مقطر (پانصد گرم). این محلول را مَلُون و محلول پرداز نیز نامند، ولی بهتر آن است که آن را محلول مُثَب نامند. از این عمل ورقهٔ عکس خوش‌رنگ و بادوام شود به‌واسطهٔ آن طلایی که در روی آن پردهٔ نقره دُرد شود. محلولی که از امتزاج طلا و ایپوسولفیت می‌سازند حکماً بد است، زیرا اگرچه این مخلوط نمک طلا دارد، ولی یک تتراتیانات دوسودی دارد که به‌سرعت نقره را گوگردی کند. از این بابت است که آن دو شیمیست عملشان به‌طور دلخواه کامل نشد، زیرا که نمک طلا استعمال نمی‌کردند و حال آنکه جهت تکمیل قوت شکل منحصر است به این نمک.

متن «استعمال نمک طلا» برای اظهار نظر در اختیار دکتر علی پورجوادی، عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف و رئیس کارگروه تخصصی واژه‌گزینی شیمی و همچنین عضو شورای واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، قرار گرفت. متن زیر پاسخ ایشان به نامهٔ فرهنگستان است:

انتظار نداشتم در حدود صدوشصت سال پیش که هنوز نوشتارهای شیمی نوین شکل

نگرفته بود و ترجمه‌های اولیه‌ای از فرانسه با برابرنهاده‌هایی کاملاً سلیقه‌ای در دسترس جامعه آن روز قرار می‌گرفت و نیز با توجه به نثر پیچیده و مرسوم دوره قاجار، با چنین متن علمی نسبتاً ساده و قابل فهمی مواجه شوم. از قرار معلوم ره‌آورد محصلان اعزامی به فرنگ و تأسی از متون علمی اروپاییان و گشودن باب ساده‌نویسی و ساده‌گویی متون پاگرفته علمی بوده است. بسیار مایلیم چنانچه کتابی درزمینه شیمی از آن دوران در دسترس قرار گیرد، به بررسی نقش مؤلفان و مترجمان آن دوره در انتقال مفاهیم علم شیمی و تأثیر آن بر کتاب‌های جدید بپردازم. درمورد نوشته ارسالی توجه شما را به نکات زیر جلب می‌کنم:

۱) منظور از استعمال نمک طلا، کاربرد نمک طلا است و در بقیه موارد استعمال معنای مصرف دارد، مثلاً «قبل از استعمال» را امروز «پیش از مصرف» می‌گویند. درضمن منظور از «محلول مستعمل»، «محلول به‌کاررفته» است.

۲) ایوسولفیت را امروز سدیم هیپوسولفیت یا سدیم تیوسولفات می‌نامند و نیز تتراتیونات دوسود را سدیم تتراتیونات.

۳) آشکال دگروتیپی را امروز تصاویر دگرتوتیپی می‌گویند.

۴) منظور از ژرد شود، رسوب می‌کند یا ته‌نشین می‌شود است.

۵) منظور از پرده، لایه یا فیلم است.

۶) در سطر ۱۵ از متن اصلی مشخص نیست واژه «ترشی» است یا لفظ دیگری؟ اگر چنین باشد برابر امروزی آن «اسید» است.

۷) محلول مُثَبَّت را امروز محلول ثابت‌کننده یا ثابت‌گرداننده می‌گویند، ولی بیشتر به داروی ثبوت معروف است.

۸) منظور از محلول مَلَوَن، محلول رنگین‌کننده است و در متن آمده است که به آن محلول پرداز نیز گفته می‌شود. پرداز به معنای سازنده و به‌تمام‌رساننده و به‌انجام‌رساننده است. بنابراین، محلول پرداز به معنای محلولی است که کار ظهور را تمام می‌کند. امروز آن را محلول فراوری یا همان داروی ثبوت می‌نامند.

۹) درمورد محلول فَنّی و صاحب یا فروصاحب یا فنروصاحب، که در سطر اول آمده، متأسفانه نتوانستم به جمع‌بندی دقیق و قابل قبولی برسم. حدس من آن است که با محلولی کاربردی سروکار داریم که همراه با ماده دیگر است (در اینجا همراه با نمک طلا)، چون صاحب به معنای رفیق، یار و «همراه» نیز آمده است.

استعمال ننگ طلا

استعمال اول در مصنفین ننگ طلا، ده معنی مجزای و صحت است که در کتب معتبره استعمال دیگر بکار برده
تفاوت این معنی، محمول طلا است که ننگ طلا یک لایه ننگ است و در آن ننگ است و ننگ نماند ندارد و این ننگ
سایر ضربت ننگ است که در ننگ طلا و ننگ طلا است و ننگ طلا ننگ طلا است و ننگ طلا ننگ طلا است
اصول معنی ننگ طلا، ننگ طلا است که در ننگ طلا است و ننگ طلا ننگ طلا است و ننگ طلا ننگ طلا است
استعمال دوم در معنی ننگ طلا، ننگ طلا است که در ننگ طلا است و ننگ طلا ننگ طلا است و ننگ طلا ننگ طلا است
استعمال سوم در معنی ننگ طلا، ننگ طلا است که در ننگ طلا است و ننگ طلا ننگ طلا است و ننگ طلا ننگ طلا است
استعمال چهارم در معنی ننگ طلا، ننگ طلا است که در ننگ طلا است و ننگ طلا ننگ طلا است و ننگ طلا ننگ طلا است
استعمال پنجم در معنی ننگ طلا، ننگ طلا است که در ننگ طلا است و ننگ طلا ننگ طلا است و ننگ طلا ننگ طلا است
استعمال ششم در معنی ننگ طلا، ننگ طلا است که در ننگ طلا است و ننگ طلا ننگ طلا است و ننگ طلا ننگ طلا است
استعمال هفتم در معنی ننگ طلا، ننگ طلا است که در ننگ طلا است و ننگ طلا ننگ طلا است و ننگ طلا ننگ طلا است
استعمال هشتم در معنی ننگ طلا، ننگ طلا است که در ننگ طلا است و ننگ طلا ننگ طلا است و ننگ طلا ننگ طلا است
استعمال نهم در معنی ننگ طلا، ننگ طلا است که در ننگ طلا است و ننگ طلا ننگ طلا است و ننگ طلا ننگ طلا است
استعمال دهم در معنی ننگ طلا، ننگ طلا است که در ننگ طلا است و ننگ طلا ننگ طلا است و ننگ طلا ننگ طلا است